

دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، پیاپی ۲۳، صص ۶۱-۷۲

الزامات سیاست خارجی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

محمد حسن خانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۲

چکیده

طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک اقدام استراتژیک با ابعاد و الزامات گسترده ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. مقاله حاضر می‌کوشد تا الزامات طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را در دو بازه زمانی پیشینی و پسینی در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی، و در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد نقد و بررسی قرار دهد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که الزامات سیاست خارجی طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کدام است؟ مقاله این الزامات را در دو بازه پیشینی و پسینی مورد بررسی قرار می‌دهد. الزامات پیشینی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شامل چگونگی استفاده از تجربه‌های مثبت و موفق سایر کشورها به‌گونه‌ای که مختصات مذهبی، فرهنگی، جغرافیایی و ملی ایران مدنظر قرار گرفته و خروجی الگو یک الگوی بومی باشد خواهد بود. از سوی دیگر طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به‌گونه‌ای که این الگو ظرفیت ارائه به جهان و قابلیت انتقال به سایر جوامع را در سطح همسایگان، منطقه، جهان اسلام و همچنین سطح بین‌المللی را داشته باشد در زمره مهم‌ترین ملاحظات پسینی است.

واژگان کلیدی

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نظام بین‌الملل، سیاست خارجی، دیپلماسی، جهان اسلام، توسعه

مقدمه

توسعه و پیشرفت به معنای عام و توسعه اقتصادی^۱ به معنای خاص، مفاهیمی چندبعدی و چندلایه‌ای هستند که در تعریف آن‌ها اجماعی وجود ندارد. مخرج مشترک این مفاهیم در واقع اشاره به یک فرآیند تغییر و تحول در جامعه است که منجر به افزایش سطح رفاه و رضایتمندی در کشور می‌شود (Kuria, 2011, p.416).

در نگاه کلاسیک و سنتی به توسعه، رابطه مستقیمی بین این مفاهیم و میزان درآمد سرانه مفروض گرفته می‌شود. این نگاه البته مورد اجماع همه صاحب‌نظران نیست و در این میان گروهی از متفکرین برداشت و تعریف متفاوتی از توسعه و پیشرفت دارند. از این منظر مفاهیمی چون توسعه انسانی و ظرفیت‌های موجود در کشورها عوامل بنیادینی در توسعه هستند که لزوماً ربطی به درآمد سرانه ندارند. مباحث مربوطه به توسعه و پیشرفت عمدتاً در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی در محافل دانشگاهی مطرح شد و بر همین مبنا بود که کشورهای جهان به دو دسته توسعه‌یافته یا پیشرفته^۲ و توسعه‌نیافته یا عقب‌مانده^۳ تقسیم شدند.

سرمایه‌گذاری متمرکز و هدفمند به‌منظور تجمیع همه ظرفیت‌ها، دارایی‌ها و توانمندی‌های یک کشور برای اخذ نتیجه ملموس در وضعیت اقتصادی و اجتماعی یک نقطه عطف در روند توسعه و پیشرفت کشورها محسوب می‌شود. در این راستا استفاده مثبت و بهینه از ظرفیت‌های خارجی تنها در پرتو شناخت فرصت‌ها و الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی میسر می‌گردد. مفهوم دیگری که در تعدیل تعریف مفهوم توسعه بکار برده می‌شود مفهوم توسعه متوازن^۴ است که در آن تأکید مضاعفی روی پیشرفت و توسعه متعادل و همگن در همه عرصه‌ها و حوزه‌ها به عمل می‌آید (Nurke, 1953). این مفهوم را به‌گونه‌ای می‌توان تعریف کرد که در آن نوعی توازن میان علل و عوامل درونی و بیرونی نیز مدنظر قرار گیرد.

۱. چارچوب مفهومی

دیپلماسی، استقلال، وابستگی، الگوی بومی^۵ و جهانی شدن^۶ در زمره مفاهیم کلیدی به کار برده شده در این مقاله است که به‌طور خلاصه به شرح ذیل تعریف می‌شوند. در این تحقیق دیپلماسی فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی دولت‌ها انگاشته شده است که در آن پاسداری از منافع ملی و استقلال کشور مهم‌ترین اهداف دولت‌ها است (خانی، ۱۳۸۵).

در این چارچوب استقلال به معنای تصمیم‌گیری برای امور کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون تأثیرپذیری مستقیم یا غیرمستقیم از بازیگران فرامرزی و فراملی (اعم از دولتی و غیردولتی) تعریف می‌شود که نقطه مقابل آن وابستگی است (Berridge & Alan James, 2001, p.122) و سرانجام مراد از الگوی بومی‌الگویی است که در آن ویژگی‌ها و مختصات جمعیتی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و جغرافیایی یک دولت-ملت برای نیل به توسعه و پیشرفت مطمح نظر قرار گرفته باشد؛ به عبارت دیگر توسعه بومی به‌گونه‌ای خاص از توسعه اطلاق می‌شود که در آن عوامل درون‌زاد جایگاه مرکزی و نقش اصلی را در طراحی آن به خود اختصاص داده و در آن از ابداعات و ابتکارات بومی با در نظر گرفتن مزیت‌های نسبی بومی استفاده می‌شود (Coffey & Polese, 1984).

وجود نهادهای کارآمد و مؤثر یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های حیاتی برای تحقق توسعه و پیشرفت کشورها است. فقدان این نهادها در نهایت منجر به استمرار وضعیت توسعه‌نیافتگی خواهد شد هرچند که منابع مالی و مادی و حتی منابع انسانی در حد کافی در کشور موجود باشد. بر این اساس می‌توان قائل به وجود رابطه مستقیمی میان نوع نظام حکومتی، چگونگی تخصیص قدرت سیاسی، و کمیت و کیفیت نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور بود، رابطه‌ای که حلقه‌های واسط آن را می‌توان حتی در حوزه‌های سیاست خارجی و نهادهای تصمیم‌ساز و مجری در سیاست خارجی کشورها نیز سراغ گرفت.

۲. الگوها و دیدگاه‌های گوناگون

نظریه‌های پیشرفت و توسعه در طول دهه‌های مختلف قرن بیستم همواره دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. این تحولات که بسیاری از نظریه‌پردازان آن‌ها را در یک روند تکاملی ارزیابی می‌کنند عمدتاً در حوزه ارائه مدل‌های مختلف برای توسعه اقتصادی تمرکز یافته‌اند.

نقطه آغاز این مدل‌ها مدل کلاسیک ریکاردو^۷ بود که به دو قرن قبل بازمی‌گردد. پس از آن نوبت مدل نوکلاسیک شد که از طرف هارود و دومار مطرح گردید و سابقه آن به سال‌های پایانی جنگ دوم جهانی برمی‌گردد.^۸ سومین مدل که از آن تأثیرگذارترین مدل نیز یاد می‌شود مدل سولو^۹ بود که تقریباً به یک نسل قبل برمی‌گردد و سرانجام آخرین مدل که تحت عنوان نظریه رشد نوین مطرح گشته است (Jurado, 2003).

نفس این واقعیت که ما از دو سده پیش تاکنون شاهد ظهور و افول نظریه‌ها و الگوهای متفاوت و بعضاً متعارض در خصوص توسعه و پیشرفت بوده‌ایم نشان از این حقیقت دارد که مقوله توسعه و پیشرفت به دلایل متعدد پدیده‌ای ذاتاً سیال و متأثر از علل و عوامل بسیار پیچیده داخلی و خارجی است و هیچ‌گاه نمی‌توان برای تمامی جوامع نسخه‌ای واحد و یکسان تجویز کرد.

این واقعیت در تعارض آشکار با این مفروض و ادعای رستو است که معتقد است کشورها برای نیل به توسعه و پیشرفت ناگزیرند از یک مسیر عبور کرده و کم‌وبیش مراحل یکسان و مشابهی را پشت سر بگذارند. رستو در نظریه یکسان‌انگاری روند انتقال به توسعه‌یافتگی پا را از این نیز فراتر گذاشته و اظهار می‌دارد که جوامع خواهان توسعه و پیشرفت نمی‌توانند هیچ‌یک را از مراحل توسعه را انکار کرده و یا نظم و نوبت حاکم بر این مراحل را برهم زده و یک مرحله را قبل از مرحله دیگر پشت سر بگذارند (Stevens, 2009).

این مفروض در دهه‌های متمادی در قرن بیستم به یک اصل مسلم و پذیرفته‌شده از سوی بخش عمده‌ای از نظریه‌پردازان تبدیل گردید و همین امر باعث شد تا اندک نظریه‌پردازان غربی و غیر غربی که با این مفروضات مخالف بودند در اقلیت قرار داشته و هیچ‌گاه نتوانند جایگاه ویژه و مهمی در بستر اصلی نظریه‌پردازی در حوزه توسعه و پیشرفت را به خود اختصاص دهند. با این‌همه امروزه کم‌کم بر شمار نظریه‌پردازان و کارگزاری‌های بین‌المللی که به جای تجویز نسخه‌های یک شکل مبتنی بر استاندارد واحد برای توسعه راهبرد توسعه ملی و بومی را توصیه می‌کنند رو به افزایش است.

بر اساس این راهبرد زنجیره‌ای از سیاست‌گذاری‌ها در سطوح دولتی و غیردولتی بر پایه دانش بومی و تجربه ملی در کنار استفاده از تجربیات فراملی نقشه راه توسعه و پیشرفت کشورها را ترسیم می‌کند. در این رویکرد تأکید معناداری بر تمرکززدایی و استفاده بهینه از مزیت‌های نسبی بومی صورت می‌گیرد.^{۱۰}

وید رابرت هانتر استاد اقتصاد سیاسی و توسعه در مدرسه علوم اقتصادی لندن ترغیب کشورهای درحال توسعه به پیروی از نسخه‌های تجویز شده از سوی غرب و اجبار آن‌ها به پایبندی به اصول مندرج در توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی^{۱۱} را در راستای سیاست کلی غرب برای عقب‌نگه‌داشتن کشورهای درحال توسعه و در چارچوب سیاست موسوم به «لگد

زدن و انداختن نردبانی^{۱۲} است که خود برای توسعه از آن بالا رفته‌اند (Wade, 2003)؛ از این رو، پذیرفتن اصل تنوع و تکثر نظری و عملی در طراحی الگوی پیشرفت می‌بایست به‌عنوان یک رکن اساسی مطمح نظر قرار گیرد؛ و این رکن بایستی ما به ازای خود را در جهان خارج نه تنها در چارچوب استقلال فکری بلکه در حوزه استقلال سیاسی که عرصه ظهور و عمل سیاست خارجی است نشان دهد.

۳. رابطه میان توسعه و پیشرفت با سیاست خارجی

در این بخش از مقاله به بیان و تحلیل مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌پردازیم. محورهای ذیل در زمره مهم‌ترین ملاحظات بشمار می‌روند که باید در این راستا در نظر گرفت:

۳-۱. ضرورت تلقی مشترک از مفهوم پیشرفت

از آنجاکه پیشرفت یک مفهوم نسبی است ما باید بتوانیم تعریف نسبتاً جامع و مشخصی از پیشرفت بدهیم و برای به دست دادن یک تعریف جامع باید ببینیم مفهوم پیشرفت در ادبیات توسعه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری چگونه تعریف شده است. به عبارت دقیق‌تر حتی با دغدغه نیل به پیشرفت و توسعه با تعریف و مختصات ایرانی و اسلامی ما کماکان نیازمندیم تا بتوانیم مدل و الگوی مطلوب خود را با مقیاس و استانداردهای بین‌المللی بسنجیم و آن را برای مخاطبان و متخصصان خارجی در قالب مدلی قابل فهم که قابلیت ارزیابی مقایسه‌ای داشته باشد را ارائه دهیم.

۳-۲. لزوم تعامل حداکثری با جهان خارج

در طراحی الگوی ایرانی پیشرفت تعامل حداکثری با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باید به‌عنوان یک اصل مهم در نظر گرفته شود. بدون شک در قرن بیست و یکم و در عصر جهانی شدن یا جهانی‌سازی کشورها برای توسعه و پیشرفت ملی نیاز به تعامل با جهان خارج هستند. در جهانی که وابستگی متقابل در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان بازیگران نظام بین‌الملل با سرعت خیره‌کننده‌ای در حال گسترش است تعامل دوسویه، همه‌جانبه، منطقی و

هدفمند با جهان خارج غیر قابل اجتناب است. این امر در نهایت به کاهش آسیب‌پذیری کشور در عرصه‌های گوناگون از طریق افزایش وابستگی سایر بازیگران و تقسیم آسیب‌پذیری میان طرفین می‌گردد. نتیجه ملموس این استراتژی ایفای نقش بازدارندگی در حوزه‌های سیاسی و امنیتی و نیز بهره‌گیری حداکثری و تأثیرگذار سرمایه خارجی در حوزه اقتصادی قابل مشاهده است. تغییر در رویکردهای کلاسیک در حوزه بازرگانی و تجارت خارجی از دیگر مواردی است که باید مطمئن‌نظر قرار گیرد. تأکید بیشتر بر برقراری نوعی موازنه میان راهبرد مبتنی بر تقاضاها و نیازهای بومی با راهبرد صادرات محور در زمره این رویکردهاست (Mayer, 2013).

۳-۳. حفظ استقلال سیاسی

مدنظر قرار دادن استقلال سیاسی کشور در نظام بین‌الملل از بنیادی‌ترین اصول و الزامات سیاست خارجی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است پاسداری و حراست از استقلال کشور باید همواره به‌عنوان یک هدف کلان و راهبردی مدنظر بوده و توسعه و پیشرفت کشور به‌گونه‌ای طراحی و عملیاتی گردد که نه تنها اصل استقلال را مخدوش ننماید بلکه در راستای تعمیق و استحکام آن گام بردارد. این نکته در مورد کشوری چون ایران به یک مسئله جدی و دغدغه اساسی تبدیل می‌شود. برخی از صاحب‌نظران با تأیید این نکته بر این باورند که برای ملت‌هایی همچون ایران که مورد دشمنی و غضب قدرت‌های مسلط و مستکبر جهانی هستند، شکستن دور باطل عقب‌نگاه‌داشتگی علمی و دستیابی به پیشرفت واقعی جز با حرکت‌هایی خودجوش و درون‌زا و با خاستگاه‌های مردمی و متکی بر توانایی‌های بالفعل داخلی مبتنی بر الگوی بومی ممکن نیست (پیغامی، ۱۳۹۱). بر اساس آنچه گفته شد، شاید در نگاه نخست این‌چنین برداشت شود که نوعی تضاد و تناقض میان پاسداری از استقلال واقعی و تعامل حداکثری با جهان خارج وجود دارد؛ اما واقعیت امر این است که برقراری یک موازنه منطقی میان این دو اصلی‌ترین و البته سخت‌ترین مأموریت و وظیفه دیپلماسی است. روابط با جهان خارج لزوماً به معنای انتخاب میان دو وضعیت تسلیم یا تحریم نیست چراکه اصولاً در این دو حالت دیپلماسی تقریباً تعطیل است. هنر اصلی دیپلماسی کشف، بهره‌برداری و فعالیت بی‌امان در فضای میان این دو سر طیف است.

۳-۴. ارائه الگوی موفق و بی‌بدیل

نکته مهم دیگر که جزو ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت قرار می‌گیرد در صفت «اسلامی» آن نهفته است. آن‌گونه که از قید و پسوند اسلامی این الگو استنباط می‌شود این الگو قرار است تجسم و تبلور کارآمدی نگاه دین‌محور به پیشرفت در چارچوب آموزه‌های اسلام باشد. پیش‌فرض این تحلیل آن است که مبدعان و طراحان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر این باورند که خروجی و نتیجه نهایی این طرح منجر به ارائه الگویی موفق و بی‌بدیل در عرصه پیشرفت و توسعه خواهد شد که می‌توان و باید آن را در کنار سایر الگوهای غربی و شرقی به جهانیان به‌طور عام و جهان اسلام به‌طور خاص عرضه کرد.^{۱۳} این رویکرد بدون شک آن‌چنان سطحی از تعامل و گفتگو با جهان خارج را نیازمند است که نظیر آن تاکنون سابقه نداشته است و موفقیت آن در گرو طراحی و اجرای ماهرانه یک دیپلماسی فعال و حرفه‌ای از سوی جمهوری اسلامی ایران است.

۳-۵. استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی

و سرانجام آخرین دلیل بر ضرورت لحاظ کردن ملاحظات سیاست خارجی در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت این واقعیت است که دشمنان و بدخواهان با نام و نشان ایران اسلامی برای سد راه کردن پیشرفت ایران بیکار نخواهند نشست و تمام تلاش خود را برای عدم موفقیت و زمین‌گیر کردن آن بکار خواهند برد. بازیگران رقیب نیز در سطح منطقه‌ای اهداف و دستور کار خاص خود را دنبال خواهند کرد. راهکار و سازوکار اصلی و مهمی که آن‌ها در این مواجهه خواهند گزید، از جنس دیپلماسی و انواع مختلف آن اعم از دیپلماسی کلاسیک، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی فرهنگی خواهد بود و لاجرم پاسخ جمهوری اسلامی به آن نیز باید از همین جنس باشد. دیدگاه‌ها و نظریات ساموئل هانتینگتون در نظریه جنجالی «برخورد تمدن‌ها» و نسخه‌ای که وی برای استمرار تفوق و برتری غرب در مواجهه با سایر تمدن‌ها از جمله تمدن اسلامی تجویز می‌کند در این چارچوب کاملاً قابل فهم است (Huntington, 1993, pp.48-49).

جمع بندی

تنش زدایی هوشمندانه در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با سایر بازیگران نظام بین‌الملل، استفاده حداکثری از قدرت نرم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی به منظور خنثی کردن تبلیغات منفی علیه ایران و ارائه یک تصویر واقعی و مثبت از ایران و سرانجام، تعامل همه‌جانبه، گسترده و نهادینه‌شده با نخبگان و محافل دانشگاهی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف زمینه‌سازی برای معرفی الگوی اسلامی- ایرانی در زمره مهم‌ترین محورهایی است که در طراحی و تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بایستی مطمح نظر قرار گیرد.

شرایط تحریم و تحت تحریم قرار گرفتن در حقیقت می‌تواند به مثابه یک شمشیر دو لبه عمل کند. تحریم از یکسو ظرفیت‌های خفته و پنهان در کشور را آشکار کرده و آن‌ها را به منصفه ظهور می‌رساند. شرایط تحت تحریم حتی می‌تواند فراتر از این به نوعی در احیاء و تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس ملی کمک نماید و زمینه را برای طراحی الگوی تمام بومی پیشرفت مهیا سازد؛ اما باین همه باید توجه داشت که در نظام بین‌الملل کنونی اصل بر تعامل با سایر بازیگران در شرایط عادی و رقابتی است و شرایط انزوا و تحریم یک استثنا محسوب می‌شود. شرایط انزوا و تحریم اصولاً کشور را از تعامل لازم در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری با جهان خارج بازداشته و مسیر توسعه و پیشرفت کشور را در درازمدت با موانع اساسی مختلفی مواجه می‌سازد. از آنجاکه سیاست خارجی می‌تواند کشور را به سمت تعامل یا تقابل با نظام بین‌الملل سوق دهد لذا رابطه مستقیم و معناداری میان سیاست خارجی و الگوی پیشرفت به وجود می‌آید که باید در طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مورد عنایت ویژه قرار بگیرد.

تحولات بیداری اسلامی و جستجوی کشورهای دستخوش این تحولات از جمله تونس و مصر برای پیدا کردن یک الگوی مناسب و ایدئال نشان‌دهنده این واقعیت است که الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت خواسته یا ناخواسته ناظران، مخاطبان و طالبان خارج از مرزهای ایران را خواهد داشت و لذا در طراحی آن باید نکات و ظرایف دیپلماتیک و ناظر بر سیاست خارجی را مطمح نظر قرار داد. کلام آخر اینکه در جهان معاصر و با توجه به واقعیت‌های موجود سیاسی و اقتصادی نمی‌توان به الگویی از توسعه و پیشرفت دست یافت که در آن

تعامل پیشینی و پسینی فعال با جهان خارج و سازوکارهای عملیاتی کردن آن لحاظ نشده باشد چراکه چنین گزینه‌ای نه مطلوب است و نه ممکن.

یادداشت‌ها

1. Economic Development
 2. Developed
 3. Underdeveloped / Developing
 4. Balanced Development
 5. Local Model
 6. Globalization
 7. Ricardo
۸. این مدل توسط در سال‌های ۱۹۳۹ و ۱۹۴۶ به ترتیب توسط روی هارود (Roy Harrod) و ایوسی دومار (Evsey Domar) ارائه گردید.
9. Solow
 ۱۰. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک.
- www.ilo.org/empent/areas/local-economic-development-led/lang--en/index.htm
www.iisd.org/pdf/2004/measure_sd_strategies_initiatives_brochure.pdf
۱۱. توافقنامه‌های گاتس و تریپس در زمره مهم‌ترین این توافقات است:
- GATS: General Agreement on Trade in Services
TRIPs: Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights
۱۲. این اصطلاح برای اولین بار توسط جورج فردریش لیست (Georg Friedrich List)، اقتصاددان آلمانی تبار آمریکایی، در قرن نوزدهم به کار رفت. مراد وی از این کنایه اشاره به وضع دستورالعمل‌ها و سیاست‌های محدودکننده‌ای بود که کشورهای متمدن و پیشرفته غربی بر سایر کشورها تحمیل می‌کردند؛ درحالی‌که خود قبل از این در مسیر توسعه از آن‌ها بهره‌مند گشته بوده‌اند؛ برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک. Chang, 2002.
 ۱۳. برخی از مفسران آیه ۱۴۳ سوره بقره را که می‌فرماید: «... وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...»، به همین معنا تفسیر کرده‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم.

خانی، محمدحسن (۱۳۸۵)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، فصلنامه دانش سیاسی، ش ۲.

پیغامی، عادل (۱۳۹۱)، «مفهوم‌شناسی پیشرفت گلخانه‌ای»، برگرفته از (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۰۷/۲۰):
<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21242>

Berridge, G. R. & James, Alan (2001), *A Dictionary of Diplomacy*, London: Palgrave.

Chang, Ha-Joon (2002), *Kicking Away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press.

Coffey, William & Mario, Polèse (1984), "The Concept Of Local Development: A Stages Model Of Endogenous Regional Growth", In: *Papers in Regional Science*, Vol. 55, Issue 1, 1-12.

Jurado, Gonzalo M. (2003), "Growth Models, Development Planning and Implementation in the Philippines", *Philippine Journal of Development*, Number 55, Vol XXX, No.1, First Semester.

Huntington, Samuel P. (1993), "The Clash of Civilizations", *Foreign Affairs*, Vol.72, No.3.

Kurian, G.T. (2011), *The Encyclopaedia of Political Science*, Vol.2, Washington DC: CQ Press.

Mayer, Jorg (2013), "Towards More Balanced Growth Strategies in Developing Countries: Issues Related to Market Size, Trade Balances And Purchasing Power", in *UNCTAD Discussion Paper*, No.214, December.

Nurkse, R. (1953), *Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries*, Oxford: Blackwell

Stevens, Owen (2009), Retrieved from: <http://EzineArticles.com/3168103> (access 20/4/2014)

Wade, R. Hunter (2003), "What Strategies Are Viable for Developing Countries Today?", The World Trade Organization and the Shrinking of Development

Space, in *LSE Working Papers*, No.31, Development Studies Institute, London School of Economics and Political Science.

www.ilo.org/empent/areas/local-economic-development-led/lang--en/index.htm
(access 21/6/2014)

www.iisd.org/pdf/2004/measure_sd_strategies_initiatives_brochure.pdf (access 3/2/2014).

Archive of SID